



نسبت ولایت تشریعی پیامبر، ائمه (ع) و فقهاء با ولایت تشریعی الهی

مباحث کلامی در موضوع قانونگذاری از زیربنایی ترین مبانی نظری دینی در این زمینه است که تأثیر مستقیم بر مباحث فقهی و غیر مستقیم بر مباحث حقوقی دارد.

مباحث کلامی در موضوع قانونگذاری از زیربنایی ترین مبانی نظری دینی در این زمینه است که تأثیر مستقیم بر مباحث فقهی و غیر مستقیم بر مباحث حقوقی دارد.

چکیده

قانونگذاری از مسائل مهم حقوق عمومی است که در حکومت اسلامی به جهت نقش دین در آن اهمیت مضاعف دارد. از همین رو، لازم است این موضوع از منظر معارف اسلامی بررسی شود. در این میان، معارف کلامی شیعی از جمله لایه‌های بنیادی برای بررسی این موضوع هستند که مؤثر در لایه‌های فقهی و حقوقی هستند. پژوهش حاضر، استقصای مبانی کلامی شیعی مرتبط با موضوع قانونگذاری است. این استقصاء از آثار برخی متکلمین و فقهای معاصر، صورت گرفته است که بیشتر مربوط به موضوعات حکومت اسلامی است.

در همین راستا، به ترتیب، گزاره‌های کلامی «انحصار تشریع در خدای متعال»، «خاتمیت شریعت»، «جهان‌شمولی شریعت»، «ابدیت شریعت» و «جامعیت شریعت» به عنوان مبانی برای موضوع قانونگذاری، شناسایی و به صورت مفصل تشریح شده‌اند. در نهایت، برای اثبات ادعای تأثیر این مبانی در مباحث فقهی و حقوقی قانونگذاری به صورت خلاصه، به برخی از این دست آثار اشاره شده است.

واژگان کلیدی

مبانی کلامی، قانونگذاری، حکومت اسلامی، انحصار تشریع در خداوند، خاتمیت شریعت، جهان‌شمولی شریعت، ابدیت شریعت، جامعیت شریعت، حکم حکومتی، کارکرد مجلس

مقدمه

موضوع قانونگذاری از مباحث مهم حقوق عمومی است که در حکومت اسلامی به جهت مهم‌بودن نقش دین در آن، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چراکه قانونگذاری را می‌توان اولین جلوه‌گاه اسلامیت حکومتی نظیر نظام جمهوری اسلامی ایران دانست. هرچند در وهله اول، قانونگذاری صرفاً به عنوان کارکردی عملی و اجرایی به نظر رسیده و از حیث معارف دینی، به ظاهر مناسبت بیشتری با دانش فقه دارد، اما مطالعه آن منحصر در لایه فقهی معارف اسلامی نبوده، بلکه قابل بررسی در لایه‌های مختلف کلامی و فقهی می‌باشد. مباحث کلامی در موضوع قانونگذاری از زیربنایی‌ترین مبانی نظری دینی در این زمینه است که تأثیر مستقیم بر مباحث فقهی و غیر مستقیم بر مباحث حقوقی دارد.

بر این اساس، مقاله حاضر استقصای مبانی کلامی شیعی مرتبط با موضوع قانونگذاری در آرای برخی از متکلمین و فقهای معاصر است که با هدف تبیین بیشتر مباحث فقهی و حقوقی در این رابطه صورت می‌پذیرد. دلیل منحصراً شدن در نظرات ایشان، به رغم جدیدنبودن این مبانی، مشابهت آرای ایشان در این زمینه؛ به خصوص در مباحث فقهی مرتبط با موضوع قانونگذاری است که ریشه در تأکیداتشان بر این گزاره‌های کلامی در مطلع و یا اثنای مباحث فقهی‌شان دارد (2) علاوه بر این، تعداد آثار کلامی و نیز ارتباط نظری و عملی با موضوعات مرتبط با حکومت اسلامی نیز از دیگر ملاک‌ها در انتخاب ایشان بوده است.

اهمیت این پژوهش در وهله نخست در موضوع مرکزی آن؛ یعنی قانونگذاری است که چنانچه بیان شد، در حکومتی دینی نظیر جمهوری اسلامی ایران اهمیتی مضاعف دارد. جنبه دیگر اهمیت، بررسی گزاره‌های دینی در این موضوع در لایه کلام شیعی است که جنبه بنیادین برای مباحث فقهی و حقوقی دارد. این مبانی، مبانی قریبی برای مباحث فقهی و مبانی بعیدی برای مباحث حقوقی هستند. (3) بُعد دیگر، به شخصیت صاحبان آثار مورد استناد در این مقاله برمی‌گردد؛ چراکه ایشان عموماً به عنوان نمایندگان مردم در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی 1358 حضور داشته (4) و عمدتاً نقش مؤثری در آن ایفاء کرده‌اند. (5) استخراج مبانی کلامی قانونگذاری در اندیشه ایشان، می‌تواند موجب رسیدن به درک بهتری از مطالب فقهی شبیه

به هم این طیف از فقهاء باشد. همچنین، موجب آشنایی بیشتر ما با دیدگاه طیف اثرگذاری از نمایندگان آن مجلس خواهد شد و از این جهت، در فهم مراد قانونگذار اساسی و شناخت دقیق‌تر زوایای پیدا و پنهان قانون اساسی در مقام تفسیر اصول آن بی‌تأثیر نخواهد بود. به‌علاوه، بُعد علمی شخصیت ایشان هم مورد توجه بوده؛ چراکه در مقطع کنونی، همه آنها از مراجع تقلید شیعه به حساب می‌آیند و از این حیث، اصالت نظرات ایشان مورد توجه است.

پرسش مقاله حاضر این است که مبانی کلامی قانونگذاری در حکومت اسلامی در آرای برخی از متکلمین و فقهای معاصر چیست و این مبانی چه تأثیری بر آرای فقهی و حقوقی ایشان در زمینه قانونگذاری داشته است؟ منظور ما از قانونگذاری در عنوان و مقدمه این مقاله، اجمالاً همان کارویژه‌ای که مجلس شورای اسلامی در عرصه عمل انجام می‌دهد، بدون تعیین ماهیت دقیق آن است. لذا این امکان وجود دارد که در طول پژوهش، بر اساس مبانی کلامی‌ای که مطرح خواهد شد و اعتقاد به ابعاد خاصی برای این کارکرد مجلس در حکومت اسلامی، از سوی صاحب‌نظران موضوع این مقاله، به‌کاررفتن این عنوان برای موضوع یادشده نقد شده و ماهیت این عمل مجلس، چیزی غیر از قانونگذاری دانسته شود.

از آنجا که علم کلام برخلاف فلسفه، از اصول و گزاره‌های مرضی‌الطرفین؛ اعم از عقلی و نقلی برای اثبات مدعیات خود بهره می‌برد (جوادی، 1363، ش 31، ص 23؛ همو، 1375، ب، ش 2، ص 65)، لذا در این پژوهش تلاش می‌شود در هر قسمت، با ترکیبی از دلایل عقلی و نقلی از سوی ایشان، به اثبات هر ادعا همت گمارده شود. البته دلایل عقلی مذکور در هر قسمت، دارای پیش‌فرض‌هایی است که همان موارد نیز با ادله عقلی قابل اثبات است، ولی در اینجا قصد بیان و اثبات همه آن مقدمات نیست.

لذا تنها به گزارشی از آنچه که می‌تواند به عنوان دلیل عقلی برای هر گزاره باشد، اکتفاء خواهد شد. همچنین در پاره‌ای از موارد، ضرورتی به اقامه دلیل عقلی نیست و یا هرچند دلیل عقلی وجود دارد، لکن دلیل عقلی ضروری برای اثبات آن گزاره وجود ندارد، بلکه تنها برای عدم استبعاد و باورپذیر شدن آن بیان شده و بهانه‌ای برای آشنایی بیشتر با گزاره‌های کلامی مرتبط با موضوع قانونگذاری است. در راستای پاسخ به پرسش یادشده با نگاهی جامع به آثار کلامی و فقهی ایشان به ترتیب، گزاره کلامی انحصار تشریع در خدا، خاتمیت شریعت، جهان‌شمولی شریعت، ابدیت شریعت و جامعیت شریعت، مطالعه و بیان جامعی از نقطه‌نظرات در این زمینه ارائه می‌شود.

در پایان، برای ملموس‌تر شدن ادعاهای این مقاله، تأثیر آن به صورت مختصر در مباحث فقهی و حقوقی قانونگذاری در حکومت اسلامی مطرح می‌شود؛ هرچند «دین» به مجموعه اصول اعتقادی، اخلاقی، احکام فقهی و حقوقی گفته می‌شود که بین همه انبیاء(ع) مشترک بوده و دربرگیرنده خطوط کلی است و «شریعت»، دربردارنده خطوط جزئی در فروع احکام می‌باشد (جوادی آملی، 1389، ج 22، ص 591). با این حال، چون شریعت جزء دین است، به‌کاررفتن واژه دین، به‌جای شریعت در برخی موارد، به ادعاها و استدلال‌ها خدش‌های وارد نمی‌سازد.

انحصار تشریع در خدای متعال

انحصار تشریع در خدای متعال، از گزاره‌های کلامی مهمی است که اعتقاد به آن امری مشترک بین شیعه و سنی است (سبحانی، 1376، ص 112). این گزاره به صورت مستقیم نیز در فقه تحت عنوان اصل «لا ولاية لأحد علی أحد» منعکس شده است، ولی این اشتراک، موجب خلط قلمرو دانش کلام و فقه نیست؛ زیرا امتیاز علوم به امتیاز موضوع آنهاست و نه غایت، هدف، نوع ادله و یا سنخ مسائل آنها. موضوع دانش کلام، «فعل الله» و موضوع دانش فقه، «فعل مکلف» است. از این رو، اولی از «هست و نیست» سخن می‌گوید و دومی «باید و نباید» را بیان می‌کند (جوادی، 1375، ج 2، ش 2، ص 241؛ همو، بی‌تا، ص 139).

در این قسمت، ابتدا ارتباط تنگاتنگ این گزاره با مهمترین اصل از اصول دین؛ یعنی «توحید» بیان می‌شود که موجب فهم بهتر این گزاره و اهمیت جایگاه آن می‌شود. سپس به ترکیبی از دلایل عقلی و نقلی آن اشاره خواهد شد. در نهایت، برای دفع برخی شبهات، نقش پیامبر اکرم، ائمه(ع) و فقهاء در امر تشریع، بیان خواهد شد تا بین اعتقاد به انحصار تشریع در خداوند و وجود برخی صلاحیت‌ها برای ایشان جمع شود(6).

انحصار تشریع در خدای متعال و توحید

به دلیل این ارتباط، از این گزاره به توحید در تقنین و تشریع هم یاد شده است(سبحانی، بی‌تا (الف)، ص 31؛ همو، 1419ق(ب)، ص 28). این نوع توحید، خود از فروع توحید ربوبی خدا است. بر این مبنا، چون خدا رب و مالک انسان و تمام وجود است، بنابراین، جایی برای سیادت احدی بر دیگری نیست. از طرف دیگر، تشریع، همراه با ایجاد محدودیت برای فرد و

جامعه بوده و مستلزم اعمال نوعی ولایت است، لذا تنها اختصاص به خدای سبحان دارد (سبحانی، 1411ق، ج2، ص81).

به همین دلیل، از آن به ولایت تشریعی خداوند هم تعبیر شده است. این نوع ولایت در مقابل ولایت تکوینی الهی است که در ولایت نخست اراده عبد بین اراده خدا و فعل او حاجب می‌شود؛ درحالی‌که بازگشت اراده تکوینی به رابطه علی و معلولی بوده و چنین حائلی وجود ندارد. لذا اولی عصیان‌پذیر است؛ درحالی‌که دیگری تخلف‌بردار نیست (جوادی آملی، 1379، ص25؛ همو، 1375(الف)، ص58). علاوه بر این، ولایت تشریعی، نسبت به مؤمن و کافر عام، ولی ولایت تکوینی، نسبت به قابلیت‌های موجودات، متفاوت بوده و در سه سطح عام (همه موجودات)، خاص (مؤمنان) و اخص (انبیاء و اولیاء(ع) قابل تقسیم است (جوادی آملی، 1387(ج)، ص144).

اعتباری بودن ولایت تشریعی به مولی‌علیه آن که مربوط به اعتباریات زندگی؛ نظیر ملکیت است، برمی‌گردد و الا این ولایت نیز مانند ولایت تکوینی، امری حقیقی است و به اراده او بر تشریع بازگشت دارد (جوادی آملی، 1385، ج2، ص433). طبیعی است که به موجب ارتباط این گزاره با توحید، نفی آن به هر طریق؛ از جمله قائل‌شدن به حق قانونگذاری برای خود و یا دیگران مستلزم شرک به خداست (صافی گلپایگانی، 1378، ج3، ص103).

دلایل انحصار تشریع در خدای متعال

دلایل عقلی در دو مرحله قابل بیان است: مرحله اول از راه نفی تشریع و قانونگذاری انسان و مرحله دوم، از راه برشمردن ویژگی‌های یک قانونگذار آرمانی است. از جمع آنها حق تشریع برای خدا ثابت و از سایرین نفی می‌شود.

انسان نمی‌تواند قانونگذار باشد؛ زیرا اولاً: انسانها باید در منبع حقوق، توافق کنند که به سبب وجود امیال طبیعی ممکن نبوده و نیازمند تعالیم وحی هستند؛ ثانیاً: برای تشریع، انسان‌شناسی و جهان‌شناسی کامل لازم است که انسان به صورت مستقل قادر به آن نیست؛ ثالثاً: شناخت منبع حقوق و قانونگذاری بر اساس آن، از مسائل اعتقادی است که دانش خردمندان در آن حجت نیست؛ رابعاً: بسیاری از انسانها خودمحور بوده و در مقام تشریع، از هوای نفس خود تبعیت می‌کنند؛ خامساً: انسان به جهت نقصان اطلاعات، قادر به تفکیک بین نیازهای راستین و دروغین خود نیست و سادساً: اگر قانونگذار یک نفر باشد، گرفتار محدودیت‌هایی؛ نظیر جهل، سهو و ناتوانی در تطبیق و مانند آن می‌شود و اگر متعدد باشد، علاوه بر مشکلات یادشده امکان اختلاف نیز در بین آنها وجود دارد. رأی اکثریت برای برطرف‌شدن این مشکل، پیش‌بینی شده با این حال، آن هم روشی اضطراری و البته زابیده‌پذیرش مبنایی غیر الهی در تشریع است (جوادی آملی، 1386، ص93-102).

در نگاهی اثباتی، قانونگذار باید اولاً: انسان‌شناس و جامعه‌شناس باشد؛ ثانیاً: کوچک‌ترین نفعی در تنظیم و تدوین قانون نداشته باشد تا موجب نادیده‌گرفتن مصالح نوع شود؛ ثالثاً: قانونگذاری او منحصر در حوزه افعال نباشد و برای رساندن انسان به کمال بر حوزه افکار و اخلاق جامعه نیز نظارت و مراقبت داشته باشد(7) (سبحانی، 1368، ص20؛ همو، 1361، ص304) و رابعاً: به معاد انسان که او را گریزی از آن نیست آگاه بوده و با قوانین خود او را برای نیل به آن هدایت کند (جوادی آملی، 1387(ج)، ص139).

مفاد آیات زیر بر اثبات این گزاره دلالت می‌کنند:

1. حق جعل قانون جز برای خدا نیست؛ زیرا نیازمند برخورداری از نوعی سلطه بر مردم است(8).
2. هیچکس در مواردی که حکمی از خدا وجود دارد، حق اطاعت از غیر حکم او را ندارد(9). بر این اساس و با توجه به برخی روایات که حکم را به دو نوع حکم خدا و حکم جاهلی تقسیم می‌کند،(10) جایی برای اطاعت از حکمی غیر از خدا باقی نمی‌ماند.
3. پیامبر(ص) با برنامه کاملی مبعوث شده و جایی برای تشریع احدی غیر از خدا نیست(11).
4. بردن اختلافات نزد حکومت‌های طاغوت که خارج از دستور خدا حکم می‌دهند، نهی شده است(12).
5. یهودیان و مسیحیان، به‌خاطر اینکه دانشمندان و راهبان خود را به عنوان «رب» اختیار کرده بودند، مذمت شده‌اند(13) آنان این افراد را خالق جهان نمی‌دانستند، بلکه بنا بر برخی روایات با اطاعت از دستورات شخصی آنان، یکی از شؤون الهی که قانونگذاری است را به آنان سپرده بودند(14).

6. مسلمانان از اینکه بر پیامبر(ص) در امور سبقت بگیرند و یا انتظار داشته باشند که او در بسیاری از امور از ایشان پیروی کند نهی شده‌اند(15) (سبحانی، 1361، ج2، ص374-353).

انحصار تشریع در خدای متعال و ولایت تشریعی پیامبر اکرم، ائمه(ع) و فقهاء

معانی ولایت تشریعی پیامبر اکرم، ائمه(ع) و فقهاء

این نوع ولایت، منصبی قراردادی است که برای اداره شؤون اجتماعی به برگزیدگان از جانب خداوند واگذار می‌شود. این ولایت، در مقابل ولایت تکوینی است که مقامی معنوی بوده و بندگان خدا با طی طریق بندگی، تکامل روحی پیدا کرده و بر جهان خارج خود تسلط می‌یابند(سبحانی، 1385(ب)، ش61، ص17).

برای ولایت تشریعی ایشان معانی مختلفی ذکر شده است. معنای اول، تفویض تشریع احکام به ایشان است؛ به این معنا که خداوند، اختیار تشریع قانون را به پیامبر و امامان(ع) بسپارد و آنان رأساً هر چه را که بخواهند حلال یا حرام اعلام کنند که آیات و روایات بسیاری آن را در این معنا نفی می‌کند(16) با این حال، در مورد اصل وجود تفویض، روایاتی وجود دارد.(17) برخی که جهت تفویض را امتحان مردم و یا بزرگداشت پیامبر(ص) دانسته‌اند، معتقدند که تفویض حق تشریع کلی نیست و همان جزئی نیز خلاف اصل کلی در سایر موارد است. وانگهی این حق، در ابتدا با اذن خدا و در نهایت با امضای او همراه بوده است.

همچنین، در اختیار شخصی قرار گرفته که مورد تأیید خدا بوده و خطا و اشتباه نمی‌کند؛ هرچند ائمه(ع) هم دارای صفات او بوده‌اند، با این حال، منحصر در پیامبر(ص) شده است. به علاوه، تفویض در روایات، معانی متفاوتی داشته و اختصاص آن در همه موارد، بدون وجود قرائن به تشریع صحیح نیست.

از آنجا که ائمه(ع) هم دارای این صلاحیت نیستند، لذا فقهاء به طریق اولی چنین حقی ندارند (مکارم شیرازی، 1425ق، ص525-528؛ سبحانی، 1400ق، ج1، ص553). ولی برخی با قبول اجمالی تفویض تشریع به پیامبر(ص)، تفویض به سایر ائمه(ع) را با فرض صحت سند این روایات با اعتماد به قرینه عقلیه، محمول به یکی از موارد زیر دانسته‌اند: یا اینکه بیانگر ولایت تشریعی بر بیان احکام در مواقع مناسب است و یا اشاره به ولایت بر بیان مصادیق، صغریات، خصوصیات و حدود احکام؛ به نحوی که در ذهن روشن ایشان منعکس گردد دارد؛ به طوری که پس از بیان ایشان در بسیاری از موارد، دیگران هم آن را درک و تصدیق می‌کردند. احتمال دیگر، مربوط به حکم و اداره بر اساس مقام حکومت عامه پیامبر(ص) و یا تفویض ولایت بر امور مالی به ایشان است (صافی گلپایگانی، 1390(ج)، ص120-119).

برخی دیگر اساساً تفکیک بین «ما فرض الله» و «ما فرض النبی» را در این دانسته‌اند که اولی واجباتی هستند که خداوند از طریق وحی به مؤمنین ابلاغ کرده و دومی واجباتی هستند که از طریق پیامبر(ص) و در قالب حدیث به مردم ابلاغ شده و نباید تفاوت دیگری بین آنها قائل شد و چنین روایاتی نهایتاً به شأن تبلیغی پیامبر(ص) بازگشت دارد (جوادی آملی، 1390(د)، ص46).

دومین معنای ولایت تشریعی، زعامت سیاسی و اجتماعی است که شامل ولایت بر امور قضایی، مالی و اقتصادی جامعه اسلامی می‌شود(18) و سومین معنای آن مرجعیت در معارف و احکام اسلامی است(19) (سبحانی، بی‌تا، ج5، ص163-157). به غیر از ولایت تشریعی در معنای اول، یعنی تفویض، سایر شؤون، منحصر در پیامبر(ص) نبوده و بنا بر آیات مختلف قرآن، (20) شامل سایر ائمه(ع) هم می‌شود (سبحانی، 1384(الف)، ش43، ص116). همچنین، بنا بر ادلة ولایت فقیه ثابت می‌شود که فقهاء نیز در عصر غیبت برخوردار از این نوع ولایتند که خود را در شؤون مختلف ولایت عامه‌شان که به وظیفه حفاظت از اسلام، افتاء، قضاء و اجراء تقسیم می‌شود نشان می‌دهند(جوادی آملی، 1390(ب)، ص242) با این تفاوت که اطاعت از آنان بنا بر روایات، (21) منوط به عدم حکم به معصیت است (صافی گلپایگانی، 1361(ج)، ص20).

نسبت ولایت تشریعی پیامبر، ائمه(ع) و فقهاء با ولایت تشریعی الهی

بنا بر آنچه گذشت، اصل چنین ولایتی در معانی مختلف، با تفاوت‌هایی برای پیامبر، ائمه(ع) و فقهاء ثابت است، ولی مهم، جمع بین این ولایت با ولایت الهی و انحصار تشریع در خداست. فارغ از انواع مختلف ولایت تشریعی که بیان شد، بنا بر آیات متعدد قرآن(22) در سطحی دیگر، دو وظیفه بر دوش پیامبر(ص) است و تمام وظایف دیگر با دسته‌بندی‌های مختلف باید ذیل این دو وظیفه تبیین شود. آن دو، عبارت است از قرائت قرآن، حسب آنچه «روح‌الامین» به او وحی می‌کند و دیگری بیان مقاصد آن. از این روست که هر آنچه پیامبر(ص) می‌فرماید کلیات آن در قرآن بیان شده است. در مورد سخنان سایر ائمه(ع) هم بنا بر احادیث؛ چون «سفینه نوح» و «ثقلین» تمام آنها منتهی به پیامبر(ص) می‌شود، بنا بر اولویت، فقهاء نیز این چنین‌اند؛

زیرا در تمام شؤون، تنها احکام شرعی را از منابع آن استخراج می‌کنند که چیزی غیر از تشریعی است که مختص خداست (23) (سبحانی، 1417ق (ب)، ص 30).

بنابراین، ولایت ایشان امری مستقل از ولایت تشریعی الهی نیست؛ چراکه اساساً تشریع جدیدی صورت نمی‌گیرد. از این‌روست که برخی بین «ولایت بر تشریع» و «ولایت تشریعی» تفکیک قائل شده و اولی را تنها مختص خدا و دومی را همان ولایت بر جامعه خردمندان در تمامی شؤونی که در آن صلاحیت دارند دانسته‌اند (جوادی آملی، 1390 (ب)، ص 125).

در واقع باید گفت، این دو، نه تنها با هم تنافی نداشته، بلکه قبول و نفی یکی ملازمه با قبول و نفی دیگری دارد. همانطور که قوانین نظام تکوین واحد است، قوانین برای اداره مردم هم باید بر آن اساس واحد باشد. به همین دلیل است که مخالفت با امام و یا ولی منصوب او بنا بر برخی روایات از جمله روایات ذیل آیه 110 سورة مبارکه کهف (24) در حکم رد حکم خدا و شرک به اوست (صافی گلپایگانی، 1390 (ب)، ص 23 و 27). بنابراین، توحید در عمل، آنچنان گسترش می‌یابد که اطاعت از قوانین حاکمان الهی چهره‌ای از توحید در عبادت به حساب می‌آید (صافی گلپایگانی، 1361 (الف)، ص 174).

برعکس، قبول، التزام و الزام به قوانینی که منبع و مبنای شرعی ندارند، پرستش واضع آنها و اظهار شرکت با خداست، چراکه اعتقاد به نظام امامت، رشته‌ای از عقیده به توحید است (صافی گلپایگانی، 1390 (الف)، ص 46؛ همو، 1375 (ب)، ص 13). همچنین، استقلال ولایت تشریعی ایشان با کرامت انسانی که در پرتو انحصار تشریع در خدا به دست می‌آید در تعارض است (جوادی آملی، 1404ق (الف)، ش 23، ص 19).

بنابراین، ولایت تشریعی ایشان، نه تنها در عرض ولایت الهی نبوده، بلکه در طول آن هم نیست؛ زیرا ولایت خدا حدی نداشته و مختص مقطع خاصی نیست تا نوبت به ولایت دیگری برسد. از این‌رو، چنانچه ولایتی به دیگران نسبت داده شود، آن ولایت مظهر و تجلی ولایت الهی است (جوادی آملی، 1387 (ج)، ص 153). لذا امر حقیقی، تنها خدا بوده و رسول (ص) تنها منتقل‌کننده و ترجمه‌کننده وحی است. اطاعت از او تبعی و طریقی بوده و آنچه موضوعیت دارد اطاعت خداست (سبحانی، بی‌تا (ج)، ج 1، ص 384). به عبارت دیگر، اطاعت از کسانی که به صورت خاص یا عام از ناحیه خدا ولایت دارند موضوع اطاعت خداوند است (صافی گلپایگانی، 1375 (الف)، ص 52).

خاتمیت، ابدیت و جهان‌شمولی شریعت

خاتمیت شریعت از گزاره‌های کلامی مهمی است که مورد اتفاق مسلمین بوده و اختلاف در آن مربوط به معنای آن است (جوادی آملی، 1390 (ب)، ص 216-217). ابدیت و جهان‌شمولی شریعت نیز دو گزاره کلامی دیگری است که اولی بر استمرار شریعت در ظرف زمان و دومی به امتداد آن در ظرف مکان اشارت دارد. بر اساس این دو گزاره، شریعت از نظر زمانی و مکانی فراگیر و بر جمیع بشر حاکم است. البته این سه گزاره ارتباط وثیقی با هم دارند؛ به خصوص، دو گزاره خاتمیت و ابدیت شریعت، هر یک به وضوح دلالت بر دیگری دارد. از این‌روست که دلایل هر کدام در موارد بسیاری مشترک است. برای پیداکردن درک بهتر از آنها به مجموعه‌ای از دلایل عقلی و نقلی اشاره می‌شود.

استدلال بر خاتمیت شریعت، ابدیت و جهان‌شمولی آن با ادله عقلی، محل مناقشه است. برخی بدون بیان این دلایل، ادعای وجود آن را کرده‌اند (صافی گلپایگانی، 1412ق، ص 4) و برخی دیگر اصل نبوت را با دلایل عقلی و نقلی قابل اثبات، ولی اثبات ضرورت خاتمیت را با دلیل عقلی رد می‌کنند؛ چراکه عقل، آمدن پیامبر دیگری را محال نمی‌بیند (25) (جوادی آملی، 1381، ج 3، ص 408). به همین دلیل، دلایل آن صرفاً توجیهی دانسته شده است. از جمله از راه علل فاعلی؛ بدین معنا که پیامبر (ص) به آخرین درجات کمال رسید و ربوبیت خدا کاملاً متجلی شد. همچنین از راه علل قابلی؛ به این معنا که بهترین میوه جهان طبیعت که پیامبر (ص) باشد، عرضه شده و نیز علل غایی؛ به این معنا که با آمدن ایشان دیگر نیاز بشر در این زمینه تأمین شده است (همان، ص 409).

از جنبه‌ای دیگر، خاتمیت و به دنبال آن جاودانگی شریعت از جمله آثار اعتقاد به قاعده کلامی حسن و قبح عقلی دانسته شده است (سبحانی، 1424ق، ص 52-51؛ همو، بی‌تا (ه)، ص 94؛ همو، 1370، ص 121). به عبارت دیگر، این استدلال مبتنی بر عقل مشترک میان انسانها ثبات دین را که از لوازم خاتمیت است در دنیای متغیر توجیه‌پذیر می‌کند.

دلیل توجیهی دیگر برای این سه، کشف سازوکارهای درونی شریعت برای تداوم جریان در تاریخ و جغرافیاست. در این روش، به اثبات قابلیت شریعت پیامبر (ص) برای جاودانگی در اعصار و جهان‌شمولی در امصار پرداخته می‌شود، نه بر ضروری بودن عقلی این سه گزاره. در کشف این سازوکارها، مطالب بسیاری گفته شده که در دو مورد، قابل جمع است: اول اینکه شریعت دارای ماده قوی و زایایی است که علما می‌توانند بر اساس آن به استنباط هر حکمی که بشر به آن نیاز دارد اقدام کنند. این امر را

می‌توان در حجیت عقل در موارد خاص، تبعیت احکام از مصالح و مفاسد، اصول و قواعد عامه، فتح باب اجتهاد و اختیارات حاکم اسلامی احرار کرد. دوم آنکه شریعت، هرگز وارد جزئیات نشده است.

این امر، در جمع شریعت بین ماده و روح و عدم تک‌بعدی بودن آن، توجه‌داشتن به معانی و نه به ظواهر قابل تغییر و وجود احکام محدودکننده برای سایر احکام (ادله حاکمه) تمثیل یافته است (سبحانی، 1379، ص 556-556؛ همو، 1419ق(ج)، ص 19). این احکام، همان احکامی است که از آن به احکام ثانویه هم تعبیر شده است (سبحانی، 1385(الف)، ص 138). دلایل فوق برای اثبات گزاره جامعیت شریعت هم استفاده شده است (سبحانی، 1381، ش 41، ص 19) که به صورت تفصیلی در قسمت بعد می‌آید.

نصوص قرآنی که در اثبات خاتمیت بدان استناد شده است؛ عبارتند از آیات 40 سورة مبارکه احزاب، 1 سورة مبارکه فرقان، 41 و 42 سورة مبارکه فصلت، 19 سورة مبارکه انعام، 28 سورة مبارکه سبأ و 48 سورة مبارکه مائده (سبحانی، 1402ق، ج 3، ص 124-144؛ همو، بی‌تا(ب)، ص 21-15؛ همو، 1375، ج 7، ص 316). علاوه بر اینها، اشارات قرآنی دیگری هم برای خاتمیت بیان شده است؛ مضافاً بر احادیث بسیاری که در این زمینه وجود دارد (سبحانی، 1402ق، ج 3، ص 145-148؛ همو، بی‌تا(ب)، ص 21-25) و ما به جهت اختصار از بیان آنها خودداری می‌کنیم.

اما آیاتی که بر ابدیت و جهان‌شمولی شریعت و به خصوص بر جنبه جهان‌شمولی تأکید دارند، قابل تقسیم به چند گروهند: اول آیاتی که تصریح به جهانی بودن رسالت پیامبر(ص)، فرستاده خدا به سوی همه مردم بودن، رحمت برای عالمیان بودن، بشیر و نذیر برای همه مردم بودن و مندر بودن هرآن‌کس که کتاب به او برسد دارد. (26) دسته دوم، آیاتی هستند که خطابات خود را متوجه عموم مردم می‌کنند(یا أَیُّهَا النَّاسُ). دسته

پی نوشت:

1. این پژوهش به سفارش و با حمایت پژوهشکده شورای نگهبان صورت گرفته است.
2. بررسی مباحث فقهی ایشان نیازمند پژوهشی مستقل است که در آینده صورت خواهد پذیرفت.
3. برای مطالعه برخی تأثیرات دانش کلام در دانش فقه (ر.ک: جعفر سبحانی، 1386، ص 5).
4. عبدالله جوادی آملی، جعفر سبحانی تبریزی، لطف‌الله صافی گلپایگانی، ناصر مکارم شیرازی، حسینعلی منتظری نجف‌آبادی، مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی ج.ا.ا، ج 4، ص 347، 364، 368، 393 و 395.
5. در این زمینه می‌توان به ریاست «منتظری» بر آن مجلس و نیز سخنان سبحانی و مکارم در جلسات متعدد آن مجلس اشاره کرد (همان، ج 4، ص 431، 448 و 450).
6. علاوه بر ارتباط این گزاره با توحید، ارتباط با آن با کرامت انسانی نیز از حیث ارزشهای حاکم بر حقوق عمومی در اسلام حائز اهمیت است که بر اساس آن، انسان جز از خالق خود از کسی اطاعت نکرده و جز در مقابل او در مقابل دیگری خضوع نمی‌کند (عبدالله جوادی آملی، فصلنامه التوحید، ص 71).
7. برای مطالعه نظر مشابه (ر.ک: ناصر مکارم شیرازی، رهبران بزرگ و مسؤولیت‌های بزرگتر، ص 56).
8. روشن‌ترین این دسته از آیات آیه 40 سوره مبارکه یوسف است: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ»؛ هرچند در برخی موارد؛ مثل آیه 67 سوره مبارکه یوسف، عبارت یادشده دلالت بر حکومت تکوینی خدا می‌کند.
9. از جمله، آیات 42 تا 51 سورة مبارکه مائده.
10. قَالَ أَبُوعَبْدِ اللَّهِ: «...الْحُكْمُ حُكْمَانِ حُكْمُ اللَّهِ وَ حُكْمُ الْجَاهِلِيَّةِ فَمَنْ أخطأ حُكْمَ اللَّهِ حَكَمَ بِالْجَاهِلِيَّةِ» (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج 7، ص 407)؛ حکم بر دو نوع است؛ حکم خدا و حکم جاهلیت. پس کسی که در حکم خدا خطا کند، به جاهلیت حکم داده است.

11. آیات 9 سورة مباركة اسراء، 161 سورة مباركة انعام و 18 سورة مباركة جاثیه.

12. آیات 59 و 60 سورة مباركة نساء.

13. آیاتی نظیر آیه 31 سورة مباركة توبه.

14. به عنوان نمونه: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: «أَمَّا وَ اللَّهِ مَا دَعَوْهُمْ إِلَى عِبَادَةِ أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ دَعَوْهُمْ مَا أَجَابُوهُمْ وَ لَكِنْ أَحَلُّوا لَهُمْ حَرَاماً وَ حَرَّمُوا عَلَيْهِمْ حَلَالاً فَعَبَدُوهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ» (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج 1، ص 53)؛ به خدا سوگند آنان را به پرسش خودشان دعوت نکردند و اگر دعوت می‌کردند، پاسخشان نمی‌دادند، ولی برای آنان حرامی را حلال کردند و حلالی را حرام کردند. پس آنان (راهبان) را به نحوی که ندانستند پرستش کردند.

15. مثل آیات 1 و 7 سورة مباركة حجرات.

16. از جمله، آیات 15 سورة مباركة یونس و 3 سورة مباركة نجم.

17. به عنوان نمونه (ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج 1، ص 265-268).

18. آیات 59 سورة مباركة نساء، 6 سورة مباركة احزاب، 65 سورة مباركة نساء و 103 سورة مباركة توبه.

19. از جمله، آیات 2 سورة مباركة جمعه، 44 سورة مباركة نحل و 7 سورة مباركة حشر.

20. از جمله، آیه 55 سورة مباركة مائده.

21. لا طاعة لمخلوق فی معصية الخالق» (سلیم بن قیس هلالی، سلیم بن قیس، ج 2، ص 884)؛ اطاعت از مخلوق در معصیت آفریدگار جایز نیست.

22. از جمله، آیات 44 سورة مباركة نحل، 106 سورة مباركة اسراء و 16 تا 19 سورة مباركة قیامه و

23. در وجود چنین وظیفه‌ای بنا بر اولویت برای معصومین: و فقهاء در دوره غیبت و اینکه حدیث ائمه؛ همان حدیث پیامبر 9 و متصل به کلام خداست، به عنوان دلیل به تصریح روایات ائمه: (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج 1، ص 53) هم اشاره شده است (حسینعلی منتظری، اسلام، دین فطرت، ص 244).

24. إلى قوله «بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» قال ابو عبد الله: «لا يتخذ مع ولاية آل محمد ولاية غيرهم و ولايتهم العمل الصالح فمن أشرك بعبادة ربه فقد أشرك بولايتنا و كفر بها و جحد أمير المؤمنين حقه و ولايته» (علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج 2، ص 47) و سألت أبا عبد الله عن قول الله: «فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا»، قال: «العمل الصالح المعرفة بالأئمة "وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا" التسليم لعلی لا يشرك معه في الخلافة من ليس ذلك له و لا هو من أهله» (محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی، ج 2، ص 353).

25. با این حال، برخی در مورد جهان‌شمولی و ابدیت، ادعا بر وجود دلایل عقلی بدون بیان آن کرده‌اند (لطف‌الله صافی گلپایگانی، الاحکام الشرعیة ثابتة لا تتغير، 1412 ق، ص 4).

26. آیات 158 سورة مباركة اعراف، 28 سورة مباركة سبأ، 79 سورة مباركة نساء، 107 سورة مباركة انبیاء، 1 سورة مباركة فرقان و 19 سورة مباركة انعام.

27. به عنوان نمونه آیات 90 سورة مباركة نحل، 58 سورة مباركة نساء و 30 سورة مباركة روم.

1. قرآن کریم.
2. نهج البلاغه.
3. بروجردی، حسین، جامع احادیث الشیعة، ج1، تهران: فرهنگ سبز، بی‌تا.
4. جوادی آملی، عبدالله، «مرز فلسفه و کلام»، پاسدار اسلام، ش31، 1363.
5. -----، ولایت فقیه (رهبری در اسلام)، تهران: رجا، چ2، 1368.
6. -----، «سیری در مبانی ولایت فقیه»، فصلنامه حکومت اسلامی، ش1، پاییز1375(الف).
7. -----، «علم کلام، تعریف، وظیفه و قلمرو»، قبسات، ش2، 1375(ب).
8. -----، «نقد نقد»، فصلنامه حکومت اسلامی، ش2، زمستان 1375(ج).
9. -----، «مباحثی پیرامون تبیین ولایت فقیه»، فصلنامه حکومت اسلامی، ش3، بهار1376.
10. -----، تجلی ولایت در آیه تطهیر، قم: اسراء، 1379.
11. -----، وحی و نبوت در قرآن، ج3، قم: اسراء، 1381.
12. -----، دین‌شناسی، قم: اسراء، 1381.
13. -----، «کارآمدی عقل در استنباط احکام فقهی»، مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، ش1، 1382(الف).
14. -----، سرچشمه اندیشه، ج1، قم: اسراء، چ2، 1384.
15. -----، توحید در قرآن، ج2، قم: اسراء، چ2، 1385.
16. -----، حق و تکلیف در اسلام، قم: اسراء، چ2، 1385.
17. -----، فلسفه حقوق بشر، قم: اسراء، چ5، 1386.
18. -----، عید ولایت در قرآن، قم: اسراء، چ9، 1387(الف).
19. -----، نسبت دین و دنیا، قم: اسراء، چ5، 1387(ب).
20. -----، ولایت در قرآن، قم: اسراء، چ5، 1387(ج).
21. -----، جامعه در قرآن، ج17، قم: اسراء، چ2، 1388.
22. -----، روابط بین الملل در اسلام، قم: اسراء، 1388.
23. -----، تسنیم، ج22، قم: اسراء، 1389.
24. -----، امام مهدی؛ موجود موعود، قم: اسراء، چ5، 1389(الف).
25. -----، انتظار بشر از دین، قم: اسراء، چ6، 1389(ب).

26. -----، ظهور ولایت در صحنه غدیر، قم: اسراء، چ6، 1389(ج).
27. -----، «جامعیت کتاب الهی و انتظار متقابل دین و بشر»، فصلنامه حکمت اسراء، ش9، پاییز 1390(الف).
28. -----، ولایت فقیه؛ ولایت فقاقت و عدالت، قم: اسراء، چ14، 1390(ب).
29. -----، شریعت در آیین معرفت، قم: اسراء، چ6، 1390(ج).
30. -----، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، قم: اسراء، چ5، 1390(د).
31. -----، «حول العناصر الرئيسية للسياسة الإسلامية»، ماهنامه المنطلق، ش23، 1404ق(الف).
32. -----، «العناصر الأساسية للسياسة الإسلامية»، فصلنامه التوحيد، ش10، 1404ق(ب).
33. -----، «ولاية الفقيه(6)»، ماهنامه بقیة الله، ش7، 1412ق.
34. -----، پیرامون وحی و رهبری، تهران: الزهراء، چ3، بی تا.
35. راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چ4، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، 1368.
36. سبحانی، جعفر، خدا و پیامبر اسلام، قم: توحید، 1359.
37. -----، جهان بینی اسلامی، قم: توحید، 1361.
38. -----، مبانی توحید از نظر قرآن، ج1 و 2، اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین، 7، 1361.
39. -----، خدا و پیامبران، قم: دفتر تبلیغات، چ3، 1368.
40. -----، حسن و قبح عقلی یا پایه های اخلاق جاودان، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چ2، 1370.
41. -----، پیرامون حیات پیامبر 9 در قرآن، چ7، قم: مؤسسه امام صادق، 7، 1375.
42. -----، منطق شیعه در کنگره ها و مجامع علمی، قم: مکتب اسلام، 1376.
43. -----، أضاء على عقائد الشيعة الامامية و تاريخهم، تهران: مشعر، 1379.
44. -----، «انتظار بشر از دین و یا انتظار دین از بشر»، فصلنامه کلام اسلامی، ش39، 1380(الف).
45. -----، «بررسی نظریه هایی درباره انتظار بشر از دین»، فصلنامه کلام اسلامی، ش40، 1380(ب).
46. -----، «ویژگی های علم فقه»، دوماهنامه رواق اندیشه، ش2، 1380(ج).
47. -----، «نیاز بشر به دین»، فصلنامه کلام اسلامی، ش41، 1381.
48. -----، «سکولاریسم یا عرفی شدن دین و فقه»، فصلنامه کلام اسلامی، ش50، 1383.
49. -----، مدخل مسائل جدید در علم کلام، چ3، قم: مؤسسه امام صادق، 7، 1383.

50. -----، «نقش زمان و مکان در استنباط»، فصلنامه فقه اهل بیت، ش 43، 1384 (الف).
51. -----، کاوش‌هایی پیرامون ولایت، قم: مؤسسه امام صادق 7، 1384 (ب).
52. -----، منشور عقاید امامیه، قم: مؤسسه امام صادق 7، چ 3، 1385 (الف).
53. -----، ولایت تشریعی و تکوینی از دیدگاه علم و فلسفه، قم: مؤسسه امام صادق 7، چ 2، 1385 (ب).
54. -----، «اثرگذاری علم کلام در استنباط احکام»، فصلنامه کلام اسلامی، ش 61، 1385 (ب).
55. -----، معالم التوحید فی القرآن الکریم، ج 1، تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1400 ق.
56. -----، معالم النبوة فی القرآن الکریم، ج 3، اصفهان: مکتبه الامام امیرالمؤمنین 7، 1402 ق.
57. -----، الهیات علی هدی کتاب و السنة و العقل، ج 1 و 2، قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه، چ 3، 1411 ق.
58. -----، «التقنین فی الحکومة الاسلامیه»، حوار علی الورق، الاجتهاد و الحیاة، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، چ 3، 1417 ق (الف).
59. -----، الاسماء الثلاثة: الاله و الرب و العبادة، قم: مؤسسه امام صادق 7، 1417 ق (ب).
60. -----، اصول الفقه المقارن فیما لانص فیہ، قم: مؤسسه امام صادق 7، 1419 ق (الف).
61. -----، بحوث قرآنیة فی التوحید و الشرک، قم: مؤسسه امام صادق 7، 1419 ق (ب).
62. -----، مصادر الفقه الاسلامی و منابعه، بیروت: دارالاضواء، 1419 ق (ج).
63. -----، التحسین و التقبیح العقلیان و مکانتهما فی العقیده و الشریعة، قم: مؤسسه امام صادق 7، 1424 ق.
64. -----، التوحید و الشرک فی القرآن الکریم، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، بی تا (الف).
65. -----، الخاتمیة فی کتاب و السنة و العقل الصریح، بی جا، بی نا، بی تا (ب).
66. -----، الفکر الخالد فی بیان العقائد، ج 1، بی جا: بی نا، بی تا (ج).
67. -----، تأثیر الزمان و المكان علی استنباط الاحکام الشرعیة و الحکومیة، قم: مؤسسه امام صادق 7، بی تا (د).
68. -----، التحسین و التقبیح العقلیین، قم: مؤسسه امام صادق 7، بی تا (ه).
69. -----، پیرامون عصمت پیامبران و امامان، ج 5، قم: انتشارات اسلامی، بی تا.
70. صافی گلپایگانی، لطف الله، الهیات در نهج البلاغه، تهران: بنیاد نهج البلاغه، 1361 (الف).
71. -----، پیرامون معرفت امام، تهران: آفاق، 1361 (ب).
72. -----، تجلی توحید در نظام امامت، تهران: مؤسسه الامام المهدی (عج)، 1361 (ج).
73. -----، به سوی دولت کریمه، قم: حضرت معصومه 3، 1375 (الف).
74. -----، پاسخ به ده پرسش، قم: حضرت معصومه 3، 1375 (ب).

75. -----، امامت و مهدویت، ج3، قم: حضرت معصومه3، چ3، 1378.
76. -----، اصالت مهدویت، قم: جمکران، 1390(الف).
77. -----، امامت حضرت بقیة الله و نقش سازنده عقیده به امامت آن حضرت، قم: جمکران، چ2، 1390(ب).
78. -----، ولایت تکوینی ولایت تشریعی، قم: جمکران، چ2، 1390(ج).
79. -----، مع الخطیب فی خطوطه العریضة، تهران: سپهر، چ6، 1408ق(د).
80. -----، الأحكام الشرعية ثابتة لاتتغیر، قم: دارالقرآن الکریم، 1412ق.
81. -----، ضرورة وجود الحكومة أو الولاية للفقهاء، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
82. عیاشی، محمدبن مسعود، تفسیر العیاشی، ج2، تهران: المطبعة العلمية، 1380ق.
83. قمی، علی‌بن ابراهیم، تفسیر القمی، ج2، قم: دارالکتاب، چ3، 1404ق.
84. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج1 و7، تهران: دارالکتب الإسلامية، چ4، 1407ق.
85. مکارم شیرازی، ناصر، رهبران بزرگ و مسؤولیت‌های بزرگتر، تهران: محمدی، چ2، 1346.
86. -----، «تحقیق و بررسی در منابع اجتهاد در فقه شیعه و اهل سنت(1)»، مجلة نور علم، ش10، 1364.
87. -----، «مصالح مرسله چیست؟»، مجلة نور علم، ش15، 1365.
88. -----، بحوث فقهية هامة، قم: مدرسة الامام علی‌بن ابیطالب7، 1422ق.
89. -----، انوار الفقاهة، قم: مدرسة الامام علی‌بن ابیطالب3، 1425ق.
90. منتظری، حسینعلی، اسلام؛ دین فطرت، تهران: سایه، چ3، 1387.
91. -----، دراسات فی ولاية الفقیه و فقه الدولة الإسلامية، ج2، قم: تفکر، چ2، 1409ق.
92. هلالی، سلیم‌بن قیس، سلیم‌بن قیس الهلالی، ج2، قم: الهادی، 1405ق.

حسین امینی‌پژوه: دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و حقوق عمومی دانشگاه امام صادق(ع)

عباس کعبی: عضو هیأت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).

فصلنامه حکومت اسلامی شماره 74.